

Indicators of Rationalism in Classical Shi'ism

Mohammad Reza Hatampoory¹, Seyyed Abolhassan Navvab²

Mohammad Javdan³, Hamid Reza Shariatmadari⁴

(Received on: 2025-05-11; Accepted on: 2025-10-12)

Abstract

The relationship between reason and scripture in religious knowledge constitutes one of the pivotal debates within the Imami intellectual tradition, and has historically given rise to two major approaches—namely, rationalism and scripturalism. This article undertakes a novel analysis of these two currents by employing a spectral approach, seeking to reconceptualize them not as discrete opposing camps but rather as a continuous epistemic spectrum. Through the categorization of conceptual and epistemological indicators of rationalism and scripturalism, and the analysis of the historical evolution of these two approaches, the present study demonstrates that Imami thought has consistently operated in a dynamic interplay between the preservation of religious scriptures and the active employment of reason in the interpretation and substantiation of doctrines. Furthermore, the positions of prominent figures within each current are examined and presented in comparative tables, while the proposed spectral model offers an analytical framework for a more nuanced understanding of the interaction between reason and scripture in the Imami tradition. The principal innovation of this article lies in its presentation of a continuous, indicator-based, and historically grounded analysis, which may contribute to a critical reassessment of the Shi'i epistemological heritage in addressing contemporary challenges.

Keywords: Rationalism, Scripturalism, Imamiyya, Spectral Analysis, Religious Knowledge, Historical Current Analysis

1. Ph.D. Candidate in Shi'a Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran (Corresponding Author). Email: mrhatampoory@yahoo.com
2. Professor, Department of Jurisprudential Schools, University of Religions and Denominations, Qom, Iran. Email: s.a.h.navvab@gmail.com
3. Assistant Professor, Department of Shi'a Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran. Email: m_javdan_1383@gmail.com
4. Associate Professor, Department of Shi'a Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran. Email: shariatm46@gmail.com

شاخصه‌های عقل‌گرایی در تشیع کلاسیک

محمد رضا حاتم پوری^۱، سید ابوالحسن نواب^۲

محمد جاودان^۳، حمید رضا شریعتمداری^۴

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۲۰]

چکیده

مسئله نسبت عقل و نص در معرفت دینی، یکی از مباحث کلیدی در سنت فکری امامیه به شمار می‌آید و از دیرباز زمینه‌ساز پیدایش دو رویکرد مهم، یعنی عقل‌گرایی و نص‌گرایی، بوده است. این مقاله با رویکردی نوین و طیفی به تحلیل این دو جریان می‌پردازد و تلاش می‌کند آن‌ها را نه به صورت جبهه‌های منفک، بلکه به مثابه یک طیف معرفتی پیوسته بازخوانی کند. پژوهش حاضر با دسته‌بندی شاخصه‌های مفهومی و معرفت‌شناختی عقل‌گرایی و نص‌گرایی و تحلیل تحولات تاریخی این دو رویکرد، نشان می‌دهد که اندیشه امامیه همواره میان حفظ نصوص دینی و استفاده فعال از عقل، در تفسیر و اثبات آموزه‌ها در حرکت بوده است. افزون بر این، جایگاه شخصیت‌های شاخص هر جریان، تحلیل و در جداول تطبیقی معرفی شده و مدل طیفی طراحی شده، بستری تحلیلی برای فهم بهتر تعامل عقل و نص در سنت امامیه فراهم می‌آورد. نوآوری اصلی مقاله در ارائه تحلیل پیوستاری، شاخصه‌محور و تاریخمند است که می‌تواند به بازخوانی انتقادی میراث معرفتی شیعه در مواجهه با چالش‌های معاصر یاری رساند.

واژگان کلیدی: عقل‌گرایی، نص‌گرایی، امامیه، تحلیل طیفی، معرفت دینی، جریان‌شناسی تاریخی

۱. دانشجوی دکتری شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول)

mrhatampoore@yahoo.com

۲. استاد گروه مذاهب فقهی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران s.a.h.navvab@gmail.com

۳. استادیار گروه شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران m.javdan_1383@gmail.com

۴. دانشیار گروه شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران shariatm46@gmail.com

۱- مقدمه و تبیین مسئله

بحث نسبت میان عقل و نص، از بنیادی‌ترین مسائل در اندیشه دینی مسلمانان و به‌ویژه در سنت فکری امامیه به شمار می‌آید. این مسئله، نه تنها از آغاز شکل‌گیری مکاتب کلامی مطرح بوده؛ بلکه در تمام دوره‌های تاریخی در پاسخ به تحولات اجتماعی، سیاسی و معرفتی، بارها بازخوانی شده است. در سنت امامیه، عقل و نص هر دو به عنوان منابع اصلی معرفت دینی مورد پذیرش قرار گرفته‌اند؛ اما نحوه تعامل آن‌ها و نسبت دقیقشان با یکدیگر، موضوعی پرچالش و گاه نزاع‌برانگیز بوده است.

مطالعات پیشین عمدتاً این دو رویکرد را به صورت تقابلی معرفی کرده‌اند؛ به این معنا که برخی جریان‌ها به عقل اصالت داده‌اند و برخی دیگر نص را فصل الخطاب دانسته‌اند. برای نمونه، سنت حدیثی قم با محوریت چهره‌هایی چون شیخ صدوق و صفار قمی بیشتر بر نصوص تأکید داشته است؛ در حالی که مدرسه بغداد و بزرگان آن مانند شیخ مفید و سید مرتضی، رویکردی عقل‌گرایانه‌تر اتخاذ کرده‌اند. این دوگانگی، به شکل‌های گوناگون در کلام، اصول فقه، تفسیر و حتی فلسفه امامیه بازتاب یافته است (سبحانی، ۱۳۷۴: ص ۱۴۵-۱۵۰؛ شریعت‌مداری، ۱۳۹۱: ۳۰).

با این حال، نگاهی دقیق‌تر به تاریخ اندیشه امامیه نشان می‌دهد که تقابل عقل‌گرایی و نص‌گرایی صرفاً یک دوگانه مطلق نبوده است؛ بلکه این دو در قالب یک طیف پیوسته ظاهر شده‌اند؛ به گونه‌ای که بسیاری از اندیشمندان شیعی را نمی‌توان به طور مطلق عقل‌گرا یا نص‌گرا دانست؛ بلکه هریک در جایگاه خاصی از این طیف قرار می‌گیرند. برای مثال، شیخ کلینی با وجود تعلق به مکتب حدیثی، در آغاز کتاب کافی جایگاه والایی برای عقل قائل است (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۹)، و ملاصدرا در حکمت متعالیه کوشیده است عقل و نقل را در نظامی هماهنگ درآورد (صدرالمتألهین، بی تا (الف): ج ۱، ص ۷۸).

پژوهش حاضر با درک این نکته بنیادین که عقل‌گرایی و نص‌گرایی در سنت امامیه را باید در قالب یک طیف تحلیل کرد، در پی آن است که با تبیین مفهومی دقیق و دسته‌بندی شاخصه‌ها و جریان‌شناسی تاریخی، تصویری جامع‌تر از این تعامل معرفتی ارائه دهد. هدف این است که از رهگذر تحلیل طیفی، پیچیدگی‌های رابطه عقل و نص در سنت شیعی به درستی بازشناسی شود و زمینه‌ای برای بازخوانی انتقادی این میراث در مواجهه با چالش‌های معاصر فراهم آید.

۲- اهمیت و ضرورت پژوهش

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های اندیشه اسلامی، فهم دقیق نسبت عقل و نقل در حوزه دین‌شناسی است. سنت فکری امامیه از دیرباز درگیر تبیین جایگاه عقل به عنوان ابزار و منبع معرفت دینی بوده است و از سوی دیگر به حجیت نصوص دینی پایبندی خاصی نشان داده است. این دوگانه (عقل‌گرایی و نص‌گرایی) نه فقط یک جدال نظری، بلکه یک ساختار بنیادین در تولید معرفت دینی به شمار می‌آید. اهمیت پژوهش حاضر از چند جهت برجسته می‌شود:

۱. بازخوانی تاریخی-تحلیلی: ما با یک تحلیل صرف تاریخی مواجه نیستیم؛ بلکه این پژوهش تلاش می‌کند شاخصه‌های تحلیلی عقل‌گرایی و نص‌گرایی را بازسازی کند و آن‌ها را به مثابه ابزاری برای تحلیل جریان‌های فکری شیعه به کار گیرد.
۲. طراحی الگوی طیفی: نوآوری اصلی این مقاله در ارائه مدل طیفی (حداقل تا حداکثر) برای تحلیل این دو جریان است؛ به گونه‌ای که سنت فکری امامیه نه به عنوان دو جبهه متقابل، بلکه به عنوان یک طیف طولی بررسی می‌شود.
۳. کاربرد معاصر: نتایج این پژوهش، علاوه بر ارزش تاریخی، می‌تواند در فهم و تحلیل

گرایش‌های نوپدید معرفت دینی و حتی بازسازی اجتهاد و علوم انسانی اسلامی مفید باشد.

۴. پاسخ به خلأ پژوهشی: بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که اگرچه مطالعات زیادی درباره عقل‌گرایی یا نص‌گرایی انجام شده است؛ اما پژوهشی که با چنین رویکرد جامع، تحلیلی و تطبیقی به مسئله پرداخته باشد، کمتر دیده می‌شود.

۳- پیشینه پژوهش و تمایز آن با تحقیق حاضر

مسئله نسبت عقل و نص در اندیشه اسلامی، به‌ویژه در سنت امامیه، تاکنون محور پژوهش‌های متعددی بوده است که به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند:

نخست، پژوهش‌های تاریخی که به تحلیل سیر تطور مکاتب عقل‌گرا و نص‌گرا پرداخته‌اند، مانند آثار محمدتقی سبحانی درباره مدارس بغداد و قم و پژوهش «تکوین الفقه الامامی»، اثر حسین مدرسی طباطبایی که نقش عقل و نص را در تطور فقه امامیه بررسی کرده است. همچنین رسول جعفریان با تأکید بر اخباری‌گری و اصولی‌گری، تحولات این دو جریان را در ایران واکاوی کرده است.

دوم، پژوهش‌های معرفت‌شناختی که بر تحلیل مفهومی عقل و نقل تمرکز داشته‌اند؛ مانند آثار شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی، و در عصر معاصر کتاب عدل الهی شهید مطهری که جایگاه عقل در اثبات اصول دین را به خوبی تبیین کرده است.

برخلاف این پژوهش‌ها که عمدتاً به تحلیل‌های تقابلی یا محدود پرداخته‌اند، تحقیق حاضر با رویکردی طیفی، عقل و نص را به مثابه دو سریک پیوستار تحلیل می‌کند و با دسته‌بندی شاخصه‌های هر رویکرد، به بازنمایی تحولات تاریخی این نسبت در بستر تحولات اجتماعی و سیاسی می‌پردازد؛ رویکردی که ضمن بهره‌گیری

از دستاوردهای گذشته، نوآوری آن در تلفیق تحلیل معرفت‌شناختی و جریان‌شناسی تاریخی است.

۴- پرسش‌های اصلی و فرعی پژوهش

با توجه به آنچه در تحلیل مبانی نظری و پیشینه پژوهش و اهمیت موضوع تبیین شد، اکنون مسئله اصلی پژوهش در قالب پرسش‌هایی اساسی به شرح زیر صورت‌بندی می‌شود:

شاخصه‌های اصلی عقل‌گرایی و نص‌گرایی در سنت فکری امامیه چیست و چگونه می‌توان این شاخصه‌ها را طبقه‌بندی کرد؟

جریان‌های عقل‌گرا و نص‌گرا در سیر تاریخی امامیه چه تحولاتی را پشت سر گذاشته‌اند و چه عواملی در تقویت یا تضعیف آن‌ها نقش داشته‌اند؟

شخصیت‌های شاخص عقل‌گرا و نص‌گرا در سنت امامیه چه دیدگاه‌هایی داشته‌اند و هر یک در کجای طیف عقل‌گرایی-نص‌گرایی قرار می‌گیرند؟

مدل طیفی عقل‌گرایی و نص‌گرایی چه امکانی برای تحلیل و بازسازی معرفت‌دینی شیعه در مواجهه با مسائل نوپدید معاصر فراهم می‌کند؟

۵- چارچوب نظری

یکی از ضرورت‌های مهم در پژوهش‌های جریان‌شناختی دین‌شناسی، داشتن چارچوبی نظری است که تحلیل و طبقه‌بندی جریان‌ها و اندیشمندان را امکان‌پذیر و روشمند سازد. پژوهش حاضر، برای تحلیل جریان‌های عقل‌گرایی و نص‌گرایی در سنت امامیه، بر پایه مبانی معرفت‌شناختی و تحلیل تاریخی، از چارچوبی نظری استفاده می‌کند که نوآوری‌هایی نیز در آن لحاظ شده است.

۵-۱- تعریف مفاهیم کلیدی

عقل‌گرایی در این پژوهش به معنای رویکردی است که جایگاهی بنیادی و گاه مستقل برای عقل در فرایند معرفت دینی قائل است. این رویکرد نه تنها عقل را به عنوان ابزاری برای فهم، تفسیر، اثبات و دفاع از آموزه‌های دینی می‌پذیرد؛ بلکه گاه آن را به مثابه منبع معرفتی مستقل و حتی در برخی موارد مقدم بر نص می‌داند (مطهری، ۱۳۶۹: ص ۱۲۱؛ سبحانی، ۱۳۷۴: ص ۱۴۵؛ شریعت‌مداری، ۱۳۹۳: ص ۷۹).

نص‌گرایی ناظر به جریانی است که اصالت را به نصوص دینی (قرآن و سنت) می‌دهد و نقش عقل را به عنوان ابزاری محدود و تابع می‌شناسد. نص‌گرایان از ورود عقل به عرصه‌های تبیین مستقل یا تأویل فراتر از نص برحذر می‌دارند و گاه حتی به خبر واحد بدون قرینه خاص نیز اعتماد معرفتی می‌کنند (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۹؛ صدوق، ۱۴۰۴: ص ۱۵؛ سبحانی، ۱۳۷۴: ص ۱۵۰).

۵-۲- طیف عقل‌گرایی و نص‌گرایی

در سنت امامیه، برخلاف آنچه گاه در پژوهش‌های پیشین تصور می‌شود، عقل‌گرایی و نص‌گرایی دو جبهه مطلقاً متقابل نیستند؛ بلکه بخش‌هایی از یک طیف معرفتی هستند. هر دو رویکرد در چارچوب کلان امامیه، به دلیل بهره‌مندی از هدایت معصومان (علیهم‌السلام)، تا حدود زیادی به هم پیوسته‌اند (سبحانی، ۱۳۷۴: ص ۱۵۲؛ رضایی، ۱۴۰۳: ص ۱۹۸).

در این طیف، در یک سو حداکثر عقل‌گرایی قرار دارد که عقل را به عنوان منبع مستقل و حتی مقدم بر نقل در موارد تعارض می‌شناسد؛ در سوی دیگر، حداکثر نص‌گرایی قرار دارد که حجیت را منحصرراً برای نصوص قائل است و از هرگونه تأویل عقلی پرهیز می‌کند.

این طیف‌بندی نوآوری پژوهش حاضر است که به‌جای نگاه تقابلی سنتی (مانند تقسیم‌بندی سبحانی، ۱۳۷۴ و شریعتمداری، ۱۳۹۳)، فهمی سیال‌تر و منعطف‌تر از نسبت عقل و نص در امامیه ارائه می‌دهد.

۳-۵- شاخص‌های تحلیلی

برای تحلیل دقیق جایگاه اندیشمندان در این طیف، پژوهش حاضر از شاخص‌هایی استفاده می‌کند که عبارت‌اند از:

۳-۵-۱- شاخص‌های عقل‌گرایی

• عقل به‌عنوان ابزار:

- ابزار فهم و تفسیر نصوص؛
- ابزار دفاع و مناظره؛
- ابزار اثبات عقاید؛
- ابزار استنباط احکام شرعی.

• عقل به‌عنوان منبع:

- عقل به‌عنوان منبع مستقل معرفت؛
- حجیت عقل در موارد تعارض با نصوص؛
- تقدم عقل در صورت عدم دلالت صریح نص.

• عقل به‌عنوان قرینه:

- معیار اعتبار خبر واحد؛
- ابزار تأویل و رفع تعارض‌های نصوص.

۵-۳-۲- شاخص‌های نص‌گرایی:

- تأکید بر ظاهر نص؛
- حجیت مطلق خبر واحد؛
- احتیاط شدید در تأویل‌های عقلی؛
- تقدم سنت بر عقل در کشف احکام و عقاید؛
- در موارد افراطی، نفی اصول استنباط و عقل مستقل (استرآبادی، بی‌تا؛ کلینی، ۱۴۰۷: مقدمه).

۶- شاخصه‌های مفهومی و معرفت‌شناختی عقل‌گرایی و نص‌گرایی در سنت امامیه

مفاهیمی همچون «عقل‌گرایی» و «نص‌گرایی» در سنت فکری امامیه همواره در تعامل با یکدیگر مطرح بوده‌اند و هیچ‌یک به صورت مطلق و یک‌جانبه شکل نگرفته‌اند. بررسی دقیق این دو رویکرد نیازمند شناسایی شاخصه‌هایی است که بتوان به کمک آن‌ها میزان گرایش اندیشمندان به یکی از این دو ساحت را ارزیابی کرد. از این رو، تحلیل شاخصه‌محور، گامی مهم در شناخت دقیق منظومه معرفتی امامیه به شمار می‌رود. در این بخش، با استناد به متون حدیثی و اصولی و کلامی شیعه، کوشش می‌کنیم این شاخصه‌ها را استخراج، دسته‌بندی و تحلیل نماییم.

گفتنی است بحث از نسبت عقل و نص یکی از اصلی‌ترین مباحث در تاریخ تفکر دینی اسلام است. این مسئله، به‌ویژه در سنت فکری شیعه امامیه، جایگاهی ممتاز داشته است؛ زیرا این مکتب از سویی بر مرجعیت بی‌بدیل اهل بیت علیهم‌السلام و نصوص دینی تأکید دارد و از سوی دیگر عقل را نیز به عنوان حجتی الهی و نیرویی ضروری برای شناخت دین و استنباط آموزه‌های شریعت معرفی می‌کند (مطهری، ۱۳۶۴:

ص ۵۱؛ سبحانی، ۱۳۷۴: ص ۷۵). این دوگانه ظاهری، همواره بستر ظهور جریان های فکری گوناگون شده است که گاه عقل را در جایگاه برتر دیده اند و گاه نص را بی رقیب پنداشته اند.

۱-۶- مفهوم شناسی عقل و عقل گرایی در سنت امامیه

شناخت دقیق مفهوم عقل و چگونگی تبلور عقل گرایی در سنت امامیه، نقطه عزیمت اصلی برای تحلیل جریان های فکری شیعه به شمار می رود. در این بخش، نخست معنای عقل و سپس مراتب و گونه های عقل گرایی تبیین می شود.

۱-۱-۶- عقل؛ ساحت های معنایی

در سنت امامیه، «عقل» مفهومی گسترده و چند ساحتی است. مرحوم کلینی در کتاب کافی (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۱۱-۱۳) دو روایت محوری درباره عقل، نقل می کند که هر دو نقش عقل را به عنوان «حجت درونی» و ابزار تمییز حق از باطل معرفی می کنند. بر این اساس، می توان سه بعد اصلی برای عقل در اندیشه شیعی برشمرد:

- عقل نظری (قوة ادراک حقایق)؛ که ناظر به درک گزاره های کلی و عقلی است و بنیان

مباحث کلامی را شکل می دهد (شیخ مفید، بی تا (الف): ص ۱۱؛ طوسی، ۱۴۰۷:

ص ۴۵).

- عقل عملی (داوری اخلاقی و ارزشی)؛ که در روایات متعددی با عنوان «حسن التدبیر»

و «حسن التصرف» شناخته می شود (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۱۱؛ علامه مجلسی،

۱۴۰۳: ج ۱، ص ۹۷).

- عقل شهودی و معنوی (نوری الهی)؛ که در روایت معروف امام صادق (ع) توصیف

می شود: «ما عبد به الرحمن واكتسب به الجنان» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۱۱).

۶-۱-۲- عقل‌گرایی؛ رویکردها و درجات

عقل‌گرایی در سنت امامیه تنها به معنای توجه به عقل نیست؛ بلکه ناظر به میزان و چگونگی کار بست عقل است. عقل‌گرایی در اینجا شامل طیفی از رویکردها می‌شود (سبحانی، ۱۳۷۴: ص ۸۰؛ مطهری، ۱۳۶۹: ص ۵۹):

- عقل به عنوان ابزار فهم دین: برای شرح و تفسیر متون (شیخ طوسی، ۱۴۱۷: ج ۱، ص ۲۵۹).
- عقل به عنوان ابزار دفاع: استفاده از عقل در مناظره و پاسخ به شبهات (هشام بن حکم در مناظراتش با معتزله و دهریان نمونه‌ای برجسته است؛ نک: مفید، بی تا (ب): ص ۷۸).
- عقل به عنوان قرینه ارزیابی نقل: مثلاً نقش عقل در سنجش صحت خبر واحد یا رفع تعارض میان نصوص (علم الهدی، ۱۴۰۵: ج ۱، ص ۲۰۴؛ طوسی، ۱۳۸۹: ش: ص ۲۰۴؛ مفید، ۱۳۷۲: ش: ص ۵۷).
- عقل به عنوان منبع مستقل: پذیرش عقل در کنار وحی به عنوان یک منبع مستقل معرفت (سبحانی، ۱۳۷۴: ص ۹۵؛ مطهری، ۱۳۶۹: ص ۶۱).

۶-۲- مفهوم‌شناسی نص و نص‌گرایی در سنت امامیه

۶-۲-۱- نص؛ معنا و کاربرد

واژه «نص» در لغت به معنای آشکارسازی و تصریح است (ابن فارس، معجم مقاییس اللغة: ج ۴، ص ۱۱۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ذیل واژه نص). در اصطلاح امامیه، نص بر قرآن کریم، سنت نبوی و احادیث اهل بیت (عهم) اطلاق می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۴۷)..

۶-۲-۲- نص‌گرایی؛ رویکرد و طیف‌ها

نص‌گرایی در سنت امامیه به رویکردی گفته می‌شود که بر تقدم و محوریت نصوص دینی (قرآن و روایات) در شناخت و تفسیر آموزه‌های دینی تأکید دارد و عقل را تنها

در محدوده‌هایی محدود و مشروط می‌پذیرد. این رویکرد دارای طیفی از گرایش‌های مختلف است:

۶-۲-۱- نص‌گرایی محافظه‌کارانه (نمونه: شیخ کلینی، م ۳۲۹ق)

کلینی در مقدمه کتاب الکافی تصریح می‌کند که عقل، گرچه جایگاهی بنیادی دارد و به عنوان «قطب» دین معرفی می‌شود؛ اما همواره نصوص و حیانی بر آن تقدم دارند: «... زیرا عقل قطبی است که همه چیز به دور آن می‌چرخد و از طریق آن استدلال و احتجاج می‌شود...؛ اما پایه‌ی اساسی هدایت، کتاب و سنت است» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۹). بنابراین، در این رویکرد، عقل به عنوان ابزار فهم و تفسیر شناخته می‌شود؛ ولی هرجا نص صریحی وجود داشته باشد، تفسیر عقلانی محدود و مشروط می‌گردد. به عبارت دیگر، نص‌گرایی محافظه‌کارانه تلاش دارد میان عقل و نقل تعادلی برقرار کند؛ ولی مرجع نهایی را همواره نص می‌داند.

۶-۲-۲- نص‌گرایی حداکثری (نمونه: شیخ صدوق، م ۳۸۱ق؛ و محمدامین استرآبادی، م ۱۰۳۶ق)

شیخ صدوق در الاعتقادات با تأکید بر کفایت نصوص، تصریح می‌کند که آنچه مورد نیاز مسلمانان است، در قرآن و روایات موجود است و نیازی به تحلیل‌های عقلی و تأویل‌های دور از ظاهر نیست: «دین کامل شده و در کتاب و سنت آمده است و ما موظفیم به ظاهر نصوص عمل کنیم» (شیخ صدوق، ۱۴۰۴: ص ۲۸). استرآبادی، مؤسس اخباری‌گری، پا را فراتر گذاشت و اجتهاد اصولیان و عقل‌گرایان را انحراف دانست. او در الفوائد المدنیة می‌نویسد: «استفاده از عقل و قیاس در استنباط دینی بدعت است؛ فقط نصوص اهل بیت حجت‌اند» (استرآبادی، بی‌تا: ص ۳۳).

در این دیدگاه، عقل نقش مستقلی ندارد و حتی در مواردی چون اصول فقه به شدت مورد انتقاد قرار می‌گیرد.

۶-۲-۳- نص‌گرایی تبعدی (نمونه: ابن طاووس، م ۶۶۴ق)

در این رویکرد، مرجعیت معرفتی از عقل برهانی به «نص» و «فطرت» منتقل شده و جای خود را به دریافت‌های شهودی و تبعد محض می‌دهد. ابن طاووس گرایش خاصی به عرفان و تبعد دارد. او در کشف المحجۃ بیان می‌کند که راه شناخت خداوند، فطرت و نص است و تکیه بر استدلال‌های عقلی در مباحث دینی می‌تواند انسان را به گمراهی بکشاند: «شناخت خدا با فطرت حاصل می‌شود و نیازی به استدلال‌های پیچیده عقلانی نیست» (ابن طاووس، بی‌تا: فصل ۳۶: ص ۶۸). در این رویکرد، اگرچه عقل به طور کلی رد نمی‌شود؛ اما تنها در حوزه‌ای بسیار محدود و بیشتر به عنوان امری شهودی و فطری مورد توجه قرار می‌گیرد.

۶-۳- شاخصه‌های عقل‌گرایی در امامیه

شاخصه‌های عقل‌گرایی امامیه را براساس آثار و آموزه‌های بزرگان این مکتب، می‌توان در چند بخش طبقه‌بندی کرد:

۶-۳-۱- اصالت عقل در پذیرش دین

به گفته شهید ثانی در حقائق‌الایمان، تقلید در اصول دین (حتی اگر از نوع تقلید اجماعی باشد) کفایت نمی‌کند؛ زیرا ایمان به اصول دین مستلزم «یقین» است، در حالی که ماهیت تقلید، یقین‌آور نیست. (شهید ثانی، ۱۴۰۹: ص ۵۹). البته این دیدگاه را نباید چندان

جدی گرفت. به گزارش شیخ انصاری، وجوب تحقیق و استدلال در اصول دین دیدگاه مشهور است (شیخ انصاری، ۱۴۲۸: ج ۱، ص ۵۷۴) و دیدگاه‌های دیگری هم هست (شیخ انصاری، ۱۴۲۸: ج ۱، ص ۵۷۴). آری، می‌توان گفت اصالت در پذیرش دین با استدلال‌های غیرتقلیدی است. امروزه نخستین مسئله کتاب‌های توضیح المسائل، تقلید در اصول دین است. این دیدگاه تأکید دارد که معرفت خداوند و اصول دین نخست با عقل اثبات می‌شود؛ حتی پیش از مراجعه به نقل (برای نمونه، نک: امام خمینی، ۱۴۲۴: ج ۱، ص ۱۱). شهید مطهری در عدل الهی می‌نویسد: «نخستین گام دین‌شناسی همان تعقل و تأمل است؛ بدون عقل، حتی فهم دین نیز ممکن نیست» (مطهری، ۱۳۶۹: ص ۵۱).

۶-۳-۲- توسعه عقل در استنباط احکام

شیخ طوسی در کتاب العدة فی أصول الفقه، به تفصیل به جایگاه عقل در اصول فقه می‌پردازد و بیان می‌کند که عقل می‌تواند اصولی همچون برائت، احتیاط، و استصحاب را تولید کند: «عقل مستقل می‌تواند در موارد فقدان نص، حکم کند و مبنای فقه قرار گیرد» (شیخ طوسی، ۱۴۱۷: ج ۱، ص ۲۵۹). این دیدگاه تا به امروز در میان اصولیان، با وجود مناقشه در برخی مثال‌های شیخ طوسی رواج دارد.

۶-۳-۳- دفاع عقلانی از مبانی دین

دفاع عقلانی از مبانی دین یکی از رویکردهای مهم در تاریخ اندیشه دینی شیعه است که با استفاده از استدلال‌های منطقی و عقلانی، به تبیین و تثبیت اصول اساسی مانند توحید و امامت پرداخته می‌شود. برای نمونه، هشام بن حکم یکی از شخصیت‌های برجسته‌ای است که در مناظرات خود با معاندان، به ویژه در مسئله امامت، از برهان‌های قوی عقلانی بهره جست و موفق شد با دلایل روشن، مخالفت‌ها را به چالش کشیده و آن‌ها را شکست

دهد. شیخ مفید در الفصول المختارة نمونه‌هایی از مناظرات او را ذکر کرده است: «هشام با برهان‌های قاطع عقلی، معاندان امامت را شکست می‌داد» (مفید، بی تا (ب): ص ۷۸).

۶-۳-۴- سنجش نصوص به محک عقل

سنجش نصوص به محک عقل یکی از اصول بنیادین در تفکر شیعی است که به‌ویژه در آثار سید مرتضی به‌طور برجسته‌ای مطرح شده است. وی بر این باور بود که نصوص دینی باید با عقل مقایسه و سنجیده شوند و هرگاه نصی با ضروریات عقل در تضاد باشد، یا باید رد شود یا اینکه تأویل گردد. سید مرتضی در کتاب الذریعة این موضوع را به‌صراحت بیان می‌کند که مخالفت نصوص با عقل، موجب مردود شدن آن‌ها خواهد شد، که نشان از اهمیت عقل در فرایند تفسیر و فهم دینی در مکتب شیعه دارد. او می‌نویسد: «اگر خبری برخلاف ضرورت عقل باشد، باید رد شود یا تأویل گردد» (سید مرتضی، ۱۳۷۶: ج ۱، ص ۸۹؛ نک: سبحانی، ۱۳۸۱: ص ۱۹۰).

۷- تحلیل تطبیقی شاخصه‌های نص‌گرایی و عقل‌گرایی در سنت امامیه

بررسی تطبیقی شاخصه‌های نص‌گرایی و عقل‌گرایی در سنت امامیه نشان می‌دهد که این دو جریان، اگرچه در ظاهر در تعارض‌اند؛ اما در حقیقت بیانگر دو رویکرد مکمل در تفسیر و تبیین دین هستند که هر یک بر جنبه‌ای از معرفت دینی تأکید می‌کنند. تفاوت بنیادین آن‌ها در نوع مواجهه با «متن مقدس» و «عقل بشری» است.

۷-۱- حجیت نصوص در برابر ارزیابی عقلانی

نص‌گرایان به حجیت قطعی نصوص باور دارند و نصوص معتبر را تنها منبع مطمئن معرفت دینی می‌دانند. آنان بر این باورند که هرگونه استنباط عقلانی باید در چارچوب نصوص

صورت گیرد و عقل، تنها به شرط عدم معارضه با نص حجیت دارد (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۹). در مقابل، عقل‌گرایان مانند سید مرتضی و شیخ مفید عقل را نه تنها ابزاری برای فهم نص، بلکه معیاری برای سنجش اعتبار نصوص نیز می‌دانند (سید مرتضی، ۱۳۷۶: ج ۱، ص ۸۹). در این رویکرد، عقل می‌تواند حتی برخی ظواهر نصوص را در صورت مخالفت با بدیهیات عقلی، تأویل یا طرد کند.

۷-۲- اعتماد به خبر واحد

یکی از بارزترین جلوه‌های نص‌گرایی، پذیرش گسترده خبر واحد به عنوان منبع معتبر معرفت دینی است (شیخ صدوق، ۱۴۰۴: ص ۲۷؛ صفار قمی، بی‌تا: مقدمه). این امر برخاسته از نگرش نص‌محور به منبع دین است. در مقابل، عقل‌گرایان معمولاً به خبر واحد با احتیاط می‌نگرند و برای پذیرش آن، معیارهای عقلانی و رجالی دقیقی لحاظ می‌کنند. سید مرتضی در این باره تصریح می‌کند که خبر واحد نمی‌تواند حجت باشد، مگر آنکه به قرائن عقلی یا شهرت مستند گردد (سید مرتضی، ۱۳۷۶: ج ۱، ص ۹۰).

۷-۳- تأویل و فهم عقلانی

نص‌گرایان با تأویل عقلانی نصوص موافق نیستند و تأکید می‌کنند که باید به ظاهر نصوص تمسک جست و از تحلیل‌های عقلانی فراتر از نص پرهیز کرد (استرآبادی، بی‌تا: ص ۴۰). این رویکرد به‌ویژه در جریان اخباری‌گری آشکار است. در مقابل، عقل‌گرایان همچون خواجه نصیر و علامه حلی، در صورت تعارض ظاهری نصوص با عقل قطعی، به تأویل روی می‌آورند و حتی تصریح می‌کنند که عقل در مواردی بر ظاهر نص مقدم است (خواجه نصیر، تجرید الاعتقاد: ۴۵).

۷-۴- نقش عقل؛ ابزار یا منبع؟

نص‌گرایان عقل را صرفاً ابزاری برای فهم بهتر نص‌های داند، نه منبعی مستقل (ابن طاووس، بی تا: فصل ۳۶: ص ۶۸)؛ در حالی که عقل‌گرایان، به ویژه در سنت کلامی بغداد، عقل را هم به عنوان ابزار و هم به عنوان منبع معرفت مستقل لحاظ می‌کنند. این دیدگاه در نظریات شیخ مفید و سید مرتضی بازتاب یافته است (مفید، بی تا (الف): ص ۱۵).

تفاوت‌های عقل‌گرایی و نص‌گرایی در سنت امامیه بیشتر از آنکه به تعارض بنیادین منجر شود، بیانگر تنوع روش شناختی در فهم دین است. نص‌گرایی، نوعی «احتیاط معرفتی» است که با تکیه بر نصوص معتبر، تلاش دارد دین را از آسیب‌های احتمالی استدلال‌های ناقص انسانی مصون دارد. عقل‌گرایی اما بر این باور است که عقل، بخشی از دین و مکمل نصوص است و بدون آن، شناخت دین ناقص و گاه نادرست خواهد بود. هر دو جریان در منظومه امامیه حضور فعال داشته‌اند و به غنای فکری این مکتب یاری رسانده‌اند. به تعبیر علامه طباطبائی، نسبت عقل و نقل نه تعارض، بلکه «تعاضد و همکاری» است (طباطبائی، بی تا: ۱۵). بنابراین شاخصه‌های معرفی شده، هر یک به نحوی بازتاب‌دهنده رویکردهای عمیق‌تر معرفتی‌اند و تنها در چارچوب تحلیل تطبیقی می‌توان جایگاه دقیق آن‌ها را شناخت و تبیین کرد.

آنچه آشکار است، سنت امامیه هیچ‌گاه عقل را نفی نکرده؛ بلکه محل نزاع، بیشتر در محدوده و کارکرد عقل بوده است (سبحانی، ۱۳۷۴: ص ۷۷؛ مطهری، ۱۳۶۹: ص ۹۵). در سنت حدیثی قم و نص‌گرایان آن، گرایش به ظاهر نصوص و پذیرش خبر واحد بارز است؛ در حالی که در مدرسه بغداد و متفکران عقل‌گرای آن، عقل هم به عنوان معیار و هم به عنوان منبع مورد توجه قرار گرفته است (مفید، بی تا (الف): ص ۱۵؛ سید مرتضی، ۱۳۷۶: ج ۱، ص ۸۹).

۸- تحولات تاریخی جریان های عقل گرا و نص گرا در امامیه

بررسی سیر تاریخی اندیشه امامیه نشان می دهد که تعامل میان عقل و نص همواره در قلب مباحث کلامی و فقهی قرار داشته است. جریان های عقل گرا و نص گرا، هرچند از آغاز هم زیستی و تعامل داشته اند؛ اما در دوره های مختلف تاریخی گاه به سوی تقویت عقل حرکت کرده اند و گاه به سمت برجسته سازی نصوص. هدف این فصل تبیین تحولات تاریخی این دو جریان و تحلیل عوامل مؤثر بر پیشرفت یا عقب نشینی هریک در دوره های گوناگون است.

۸-۱- دوران نخستین: عصر حضور ائمه علیهم السلام

در دوران حضور ائمه علیهم السلام به ویژه قرن نخست و دوم هجری، جریان های عقل گرا و نص گرا در قالب تفکیک شده امروزی ظاهر نشده بودند؛ بلکه هر دو گرایش به گونه ای طبیعی در دل تعالیم امامان معصوم علیهم السلام ادغام شده بودند. امامان شیعه علیهم السلام ضمن تأکید بر پیروی دقیق از نصوص وحیانی، همواره بر اهمیت عقل نیز تأکید داشتند؛ چنان که امام صادق علیه السلام می فرماید: «العقل ما عبد به الرحمن واكتسب به الجنان» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۱۱). این دوره را می توان دوره اعتدال و توازن نسبی میان عقل و نص دانست، هرچند غلبه عمومی بانص بود؛ زیرا عصر، عصر صدور حدیث و تربیت شاگردان بود (مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۶ش: ص ۴۵).

۸-۲- قرن سوم: شکل گیری مکاتب قم و بغداد

در قرن سوم هجری، با انتقال مرکزیت علمی شیعه به قم و بغداد، دو رویکرد عمده پدیدار شد:

مکتب قم: با محوریت محدثانی چون احمد بن محمد بن خالد برقی، محمد بن حسن صفار و محمد بن یعقوب کلینی، این مکتب تأکید زیادی بر نصوص داشت و تا حد زیادی از تأویل و تحلیل‌های عقلی فاصله می‌گرفت (کلینی، ۱۴۰۷: مقدمه؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۹: ص ۲۱۰). مکتب بغداد: با محوریت متکلمانی چون نوبختیان، شیخ مفید و سید مرتضی، این مکتب عقل‌گرایی را در سطح بالاتری توسعه داد و در تعامل با معتزله، تلاش کرد مباحث کلامی را با استدلال‌های عقلی غنا بخشد (شیخ مفید، بی تا (الف): ص ۵-۱۰؛ سبحانی، ۱۳۷۴: صص ۲۰۵-۲۳۲).

۸-۳- قرون چهارم تا ششم: رشد عقل‌گرایی و تثبیت کلام امامیه

در این دوره، عقل‌گرایی به‌ویژه با آثار شیخ مفید و سید مرتضی به اوج رسید. سید مرتضی با پذیرش «حسن و قبح ذاتی» و دفاع عقلانی از امامت، عقل را به عنوان ابزار و منبع معرفت به رسمیت شناخت (سید مرتضی، ۱۳۷۶: ج ۱، ص ۳۳؛ علم الهدی، ۱۴۰۵: ج ۱، ص ۷۵؛ مفید، ۱۳۷۲: صص ۱-۱۵). این عقل‌گرایی به دستگاه اصول فقه و علم کلام امامیه نظم جدیدی بخشید. در مقابل، نص‌گرایان مانند شیخ صدوق همچنان به دفاع از مرجعیت مطلق حدیث پرداختند، هرچند در اقلیت قرار گرفتند (شیخ صدوق، ۱۴۰۴: ص ۹).

۸-۴- قرون هفتم تا نهم: ظهور اخباری‌گری و چرخش به سوی نص‌گرایی

با کاهش قدرت عقل‌گرایی در اثر عواملی چون تضعیف کلام معتزلی و رشد حدیث‌گرایی، نص‌گرایی به‌ویژه در قرن یازدهم با ظهور اخباری‌گری احیا شد. ملا محمد امین استرآبادی در الفوائد المدنیة به شدت از عقل‌گرایی انتقاد کرد و خواهان بازگشت به نصوص بدون اجتهاد شد (استرآبادی، بی تا: ص ۱۵-۲۲).

۸-۵- قرن یازدهم: احیای عقل‌گرایی با ظهور حکمت متعالیه

با ظهور ملاصدرا و حکمت متعالیه، موجی جدید از عقل‌گرایی فلسفی در امامیه پدید آمد. ملاصدرا عقل و نقل را به عنوان مکمل یکدیگر معرفی کرد و در الأسفار الأربعة تأکید داشت که فهم صحیح دین بدون عقل ممکن نیست (صدرالمتألهین، بی تا (الف): ص ۲۴).

۸-۶- عصر معاصر: توازن و بازاندیشی

در دوره معاصر، جریان‌های عقل‌گرا و نص‌گرا هر دو با چالش‌های جدیدی روبه‌رو شده‌اند. با ظهور جریان‌هایی چون اصول‌گرایان نواندیش و همچنین جریان‌های سلفی‌گونه‌ای که نص‌گرایی افراطی را ترویج می‌کنند، بحث تعامل عقل و نص دوباره به یکی از مسائل کلیدی اندیشه دینی تبدیل شده است (مطهری، ۱۳۶۹: ص ۹۲؛ سبحانی، ۱۳۷۴: صص ۲۰۵-۲۳۲). اندیشمندانی چون امام خمینی و شهید مطهری، بار دیگر بر نقش محوری عقل تأکید کردند، به‌ویژه در حوزه فقه سیاسی و مباحث اجتماعی (امام خمینی، ۱۴۲۱ق: ج ۱، ص ۱۱).

۹- عوامل مؤثر بر تقویت یا تضعیف جریان‌ها

عوامل مؤثر بر رشد یا افول جریان‌های پیش‌گفته را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: عوامل درون و عوامل بیرونی. دسته نخست به نوبه خود به سه زیرعنوان تقسیم می‌شوند: کیفیت منابع روایی، ظهور شخصیت‌های شاخص (مانند شیخ مفید و استرآبادی) و تعامل با مکاتب فکری دیگر (معتزله، فلاسفه). همچنین عوامل بیرونی به تغییرات سیاسی (خلافت عباسی، صفویه)، شرایط اجتماعی (نیاز به دفاع از عقاید) و تحولات فکری جهان اسلام (ورود فلسفه یونان، رشد علوم جدید) اشاره دارند. در این بخش به صورت گذرا به هر یک از این عناوین اشاره می‌کنیم:

۹-۱- عوامل درونی

عوامل درونی، آن دسته از متغیرهایی هستند که از دل ساختار علمی، معرفتی، منابع و چهره‌های مرجع امامیه برخاسته‌اند و به بازتولید یا تغییر نگرش‌ها منجر شده‌اند.

۹-۱-۱- کیفیت و گسترش منابع روایی

گسترش و گردآوری میراث روایی به‌ویژه در قرون نخستین، تأثیر مهمی در رونق نص‌گرایی داشت. کلینی (د. ۳۲۹ ق) با تدوین الکافی، معمار نظام حدیثی شیعه شد. این اثر، مرجعی اصلی برای نص‌گرایان بود و دسترسی گسترده به این متون، نص‌گرایی را تقویت کرد (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۹). اما در قرون بعدی، با مطرح شدن مسائلی چون ضعف اسناد یا تعارض اخبار، میل به تحلیل‌های عقلی بیشتر شد. شیخ مفید (د. ۴۱۳ ق) در تصحیح الاعتقاد به نقد رویکرد محدثان می‌پردازد و بر لزوم ارزیابی عقلانی احادیث تأکید می‌کند (شیخ مفید، بی تا (الف): ص ۲۰).

۹-۱-۲- ظهور شخصیت‌های شاخص

ظهور عالمان بزرگی مانند سید مرتضی و شیخ طوسی سبب شد جریان عقل‌گرایی در سده‌های چهارم و پنجم هجری به اوج برسد (نک: شیخ طوسی، ۱۴۱۷: ج ۱، ص ۱۴۹). در مقابل، با ظهور محمدامین استرآبادی (د. ۱۰۳۶ ق) و مکتب اخباری‌گری، موجی از بازگشت به نص‌گرایی در عصر صفوی شکل گرفت (استرآبادی، بی تا: ص ۴۰).

۹-۱-۳- تعامل با مکاتب دیگر

امامیه به دلیل هم‌زیستی با معتزله و نیز فلاسفه اسلامی، به‌ویژه در بغداد و پس از آن در عصر صفوی، ناگزیر شد از ابزارهای عقلانی برای دفاع از عقاید بهره‌برد. تعامل با معتزله باعث شد عقل‌گرایی در سده‌های میانی قدرت بگیرد (رضایی، ۱۳۹۶: ص ۴۶).

۹-۲- عوامل بیرونی

عوامل بیرونی، آن دسته از شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و بینا فرهنگی هستند که از محیط بیرون مکتب امامیه بر چگونگی نگرش به عقل و نص اثر گذاشته و بستر را برای رشد یا ضعف هریک از این جریان ها فراهم کرده اند.

۹-۲-۱- تغییرات سیاسی

دولت عباسی به دلیل چالش های کلامی، محیطی مناسب برای شکوفایی عقل گرایی فراهم آورد. خلافت عباسی از مناظرات کلامی حمایت می کرد (حسین نصر، ۱۳۴۲ ش: ص ۹۵)؛ اما در دوران صفویه که تشیع رسمیت یافت، نیاز به تثبیت هویت مذهبی باعث شد اخباری گری رشد کند تا مذهب شیعه را از تحریف مصون بدارد (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۸: ص ۵۶).

۹-۲-۲- شرایط اجتماعی

نیاز به پاسخ به شبهات کلامی و فلسفی که از سوی مخالفان مطرح می شد، محرک مهمی برای عقل گراییان بود. سید مرتضی می نویسد: «نحن مضطرون إلى استعمال الأدلة العقلية دفاعاً عن المذهب» (سید مرتضی، ۱۳۷۶: ج ۱، ص ۹۰)؛ در حالی که اخباریان استدلال می کردند که پیچیده شدن عقاید با تحلیل های فلسفی باعث انحراف از دین ناب می شود (استرآبادی، بی تا: ص ۴۳).

۹-۲-۳- تحولات فکری جهان اسلام

ورود ترجمه های فلسفی یونان و نیز ظهور مکاتب جدید مانند اشاعره و فلسفه مشاء، باعث شد عقل گرایی امامی در سده های ۴ و ۵ رونق بگیرد (حسین نصر، ۱۳۴۲ ش: ص ۱۲۵)؛ اما

با رکود فلسفه در جهان اسلام و تقویت گرایش‌های ظاهرگرا در دوره‌های بعدی، نص‌گرایی بروز بیشتری یافت.

خلاصه آنکه عامل اصلی تحولات میان این دو جریان را می‌توان در یک جمله جمع‌بندی کرد: «تعادل میان حفظ نصوص و پاسخ به اقتضائات عقلانی زمانه، پیوسته این دو جریان را به سمت رشد یا افول سوق داده است». این تحلیل نشان می‌دهد که عقل‌گرایی و نص‌گرایی دو قطب لاینفک از سیر تطور معرفت دینی امامیه‌اند که بسته به شرایط درونی و بیرونی جامعه دینی، یکی بر دیگری غلبه یافته است. سیر تحولات تاریخی عقل‌گرایی و نص‌گرایی در امامیه نشان می‌دهد که این دو جریان همواره در حال تعامل، رقابت و تکامل بوده‌اند؛ گاه یکی بر دیگری غلبه یافته، اما هیچ‌گاه به حذف کامل نینجامید. این استمرار، نشان‌دهنده ظرفیت پویای اندیشه شیعی برای پاسخ‌گویی به نیازهای زمان است.

۱۰- شخصیت‌های شاخص عقل‌گرا و نص‌گرا در سنت امامیه و جایگاه آن‌ها در طیف

در تحلیل طیفی عقل‌گرایی و نص‌گرایی در سنت امامیه، شناخت شخصیت‌های کلیدی و دیدگاه‌های ایشان اهمیت بنیادین دارد. این شخصیت‌ها نمایندگان برجسته دو رویکرد عقل‌گرایی و نص‌گرایی در مقاطع مختلف تاریخی امامیه بوده‌اند و بررسی جایگاه آنان نشان می‌دهد که این دو رویکرد نه به صورت جریان‌ات کاملاً منفک، بلکه در یک طیف گسترده با درجات گوناگون بروز یافته‌اند.

۱۰-۱- شخصیت‌های عقل‌گرا

یکی از نخستین شخصیت‌های عقل‌گرای امامیه، هشام بن حکم (قرن دوم هجری) است. وی به عنوان یکی از یاران خاص امام صادق علیه السلام، نقشی کلیدی در تثبیت عقل‌گرایی دفاعی ایفا کرد. هشام در مناظرات اعتقادی، به‌ویژه در دفاع از مسئله امامت و اثبات توحید، از

استدلال‌های عقلی بهره گرفت. هرچند کاربرد عقل نزد وی عمدتاً در مقام دفاع و جدل بود؛ اما زمینه‌ای مهم برای رشد عقل‌گرایی در امامیه فراهم آورد (مفید، بی تا (ب): ص ۷۸).
 شیخ مفید (م ۴۱۳ ق) نقطه عطفی در توسعه عقل‌گرایی امامی محسوب می‌شود. او عقل را نه فقط در مقام ابزار دفاعی، بلکه در مقام تفسیر و حتی داوری درباره نصوص به کار گرفت. مفید در کتاب تصحیح الاعتقاد، برخی روایات ناسازگار با عقل را مردود دانست و به وضوح از نقش عقل در تبیین و پالایش آموزه‌های دینی دفاع کرد. او به این ترتیب مسیر عقل‌گرایی نظام‌مند را در کلام امامی تثبیت کرد (مفید، بی تا (ب): ص ۷-۱۵).

سید مرتضی (م ۴۳۶ ق) پا را فراتر نهاد و عقل را منبعی مستقل در معرفت دینی دانست. وی به روشنی بر حجیت عقل تأکید کرد و اصولی چون «قبح عقاب بلا بیان» و «قاعده لطف» را که در فقه و کلام شیعی بسیار تأثیرگذار شد، تبیین کرد (سید مرتضی، ۱۳۷۶: ج ۱، ص ۲۱). دیدگاه‌های وی نشان‌دهنده اوج عقل‌گرایی در مکتب بغداد بود؛ جایی که عقل نه تنها ابزار، بلکه معیار داوری شمرده می‌شد.

شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق)، در عین تأکید بر حدیث، در حوزه اصول فقه، عقل را فعالانه وارد میدان استنباط کرد. او در کتاب العدة فی أصول الفقه، عقل را مبنای اصول عملیه (برائت، احتیاط، تخییر) قرار داد و به این ترتیب عقل را وارد فضای فقه عملی ساخت (طوسی، ۱۴۱۷: ج ۱، ص ۲۵۹-۲۶۷).

در قرون بعد، علامه حلی (م ۷۲۶ ق) نقش مهمی در نظام‌مند کردن جایگاه عقل در فقه ایفا کرد. وی در آثار اصولی و فقهی‌اش، به‌ویژه در نهایة الوصول، احکام شرعی را تابع مصالح و مفاسد واقعی دانست و از این رهگذر، عقل را به ابزاری بنیادین برای کشف احکام الهی ارتقا داد (علامة حلی، ۱۴۲۹ ق: ج ۲، ص ۷۷).

ملاصدرا (م ۱۰۵۰ ق) نماینده تلفیق عقل و نقل در سنت فلسفی امامیه است. او در الأسفار الأربعة بر این باور بود که عقل و نقل دو بال فهم دینی هستند که باید در کنار یکدیگر کار

کنند. ملاصدرا عقل را نه تنها در سطح استدلال‌های عقلی، بلکه در قلمرو شهود عرفانی نیز به کار گرفت و معتقد بود تنها با وحدت عقل، شهود و نقل می‌توان به فهم کامل دست یافت (ملاصدرا، بی تا (الف): ج ۱، ص ۲۰).

در عصر معاصر، اندیشمندانی چون مرتضی مطهری و امام خمینی، عقل را به حوزه‌های جدیدی مانند فقه اجتماعی و سیاسی وارد کردند. مطهری در عدل الهی بر توانایی عقل در تحلیل آموزه‌های دینی تأکید کرد و امام خمینی در آثار خود، عقل را به عنوان معیار اجتهاد و تنظیم حکومت دینی برجسته ساختند (مطهری، ۱۳۶۹: ص ۹۵؛ خمینی، ۱۴۲۱ق: ج ۱، ص ۱۱؛ مبلغی، ۱۳۷۹: ص ۷۰-۷۳).

۱۰-۲- شخصیت‌های نص‌گرا

محمد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۹ق) با گردآوری کتاب کافی، سنت حدیثی امامیه را به اوج رساند. او اگرچه در ابتدای کافی باب عقل را گشود و جایگاهی برای عقل قائل شد؛ اما رویکرد کلی وی محافظه‌کارانه و بر محور نصوص بود (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۹). کلینی عقل را بیشتر در جایگاه ابزاری محدود به رسمیت می‌شناخت و به حفظ و انتقال نصوص اهمیت ویژه‌ای می‌داد. شیخ صدوق (م ۳۸۱ق) چهره‌ای شاخص در جریان نص‌گرایی حداکثری بود. وی در الاعتقادات بر تقدم مطلق نصوص تأکید کرد و با رویکردهای عقل‌گرا در بغداد به صراحت مخالفت نمود. به باور او، نصوص اهل بیت علیهم‌السلام مرجع قطعی دین‌اند و عقل تنها در چارچوب آن‌ها معتبر است (صدوق، ۱۴۰۴: ص ۲۸).

محمد امین استرآبادی (م ۱۰۳۶ق) با تدوین الفوائد المدنیة، بنیان‌گذار اخباری‌گری حداکثری به شمار می‌رود. او اجتهاد و اصول فقه را بدعت دانست و بر لزوم تمسک مطلق به نصوص تأکید کرد. دیدگاه وی نمونه‌ای از نص‌گرایی افراطی بود که عقل را از ساحت استنباط به طور کامل حذف می‌کرد (استرآبادی، بی تا: ص ۳۳).

سید بن طاووس (م ۶۶۵ق) رویکردی تعبدی اتخاذ کرد. وی در کشف المحجۃ ضمن تأکید بر حجیت فطرت و نص، کاربرد عقل در فهم دین را بسیار محدود دانست و علم کلام را علمی مشکوک و غیرضروری تلقی کرد (ابن طاووس، بی تا: فصل ۳۶: ص ۶۸). صفار قمی و سعد اشعری قمی (قرن سوم هجری) نیز از نمایندگان جریان نص گرای مکتب قم بودند که در آثاری مانند بصائر الدرجات بر جمع آوری و حفظ نصوص بدون ورود به تأویل عقلانی تأکید کردند (صفار قمی، بی تا: مقدمه).

این تحلیل نشان می دهد که سنت امامیه دارای یک طیف وسیع از عقل گرایی تا نص گرایی بوده است. از عقل گرایی دفاعی هشام بن حکم، تا نظام مند شدن عقل در مدرسه بغداد، و از نص گرایی محافظه کارانه کلینی تا اخباری گری افراطی استرآبادی، همه نشان دهنده پویایی این سنت هستند. مهم ترین ویژگی این طیف آن است که حتی نص گرایان میانه رو نیز عقل را در حد ابزاری، به رسمیت می شناختند و این امر تمایز جدی امامیه را از دیگر مکاتب حدیث محور اهل سنت رقم زده است.

جدول ۱: عقل گرایی

نام شخصیت	دوره تاریخی	مهم ترین آثار	جایگاه عقل	شاخصه های عقل گرایی	جایگاه در طیف عقل گرایی- نص گرایی
هشام بن حکم	قرن ۲ هجری	مناظرات کلامی (گزارش شده در منابع مختلف)	ابزار دفاع و مناظره	بهره گیری از استدلال های عقلی در مناظرات، دفاع عقلانی از توحید و امامت (مفید، بی تا (ب): ص ۷۸)	عقل گرایی دفاعی / ابتدایی
شیخ مفید	م ۴۱۳ ق	تصحیح الاعتقاد، اوائل المقالات	ابزار تفسیر و داوری	پالایش نصوص ناسازگار با عقل، دفاع از حجیت عقل در فهم دین (شیخ مفید، بی تا (الف): ص ۷-۱۵)	عقل گرایی نظام مند

شاخصه‌های عقل‌گرایی در تشیع کلاسیک / ۱۱۹

نام شخصیت	دوره تاریخی	مهم‌ترین آثار	جایگاه عقل	شاخصه‌های عقل‌گرایی	جایگاه در طیف عقل‌گرایی-نص‌گرایی
سیدمرتضی	م ۴۳۶ ق	الذریعة، الانتصار، رسائل کلامی	منبع مستقل معرفت	قاعده لطف، قبح عقاب بالبیان، تأکید بر عقل به عنوان منبع مستقل (سیدمرتضی، ۱۳۷۶: ج ۱، ص ۲۱)	اوج عقل‌گرایی کلامی
شیخ طوسی	م ۴۶۰ ق	العدة في أصول الفقه	ابزار استنباط (اصول عملیه)	توسعه اصول فقه بر پایه عقل (برائت، احتیاط، تخییر) (شیخ طوسی، ۱۴۱۷: ج ۱، ص ۲۵۹-۲۶۷)	عقل‌گرایی اصولی-فقهی
علامه حلی	م ۷۲۶ ق	نهاية الوصول، مبادئ الوصول	ابزار و معیار استنباط	تأکید بر تبعیت احکام از مصالح و مفاسد واقعی، توسعه مبانی عقلانی در اصول (علامة حلي، ۱۴۲۹ ق: ج ۲، ص ۷۷)	عقل‌گرایی پیشرفته در فقه
ملاصدرا	م ۱۰۵۰ ق	الأسفار الأربعة، مفاتيح الغيب	تلفیق عقل و شهود	وحدت عقل، شهود و نقل؛ تأکید بر ضرورت عقل برای فهم باطنی دین (صدرالمألهین، بی تا (الف): ج ۱، ص ۲۰)	عقل‌گرایی فلسفی-عرفانی
مرتضی مطهری	قرن ۱۴ هجری شمسی	عدل الهی، مجموعه آثار	ابزار تحلیل و نظام‌سازی	تحلیل عقلانی آموزه‌های دینی، توسعه عقلانیت در اخلاق و فلسفه دین (مطهری، ۱۳۶۹: ص ۹۵)	عقل‌گرایی معاصر
امام خمینی	قرن ۱۴ هجری شمسی	کتاب البیع، ولایت فقیه	ابزار و منبع در اجتهاد سیاسی	عقل‌گرایی در فقه سیاسی، تکیه بر عقل در نظریه ولایت فقیه (خمینی، ۱۴۲۱ ق: ج ۱، ص ۱۱)	عقل‌گرایی در فقه حکومتی

جدول ۲: نص گرایي

نام شخصیت	قرن	جایگاه علمی	شاخصه های نص گرایي
ابن ولید قمی	۴	استاد شیخ صدوق	عدم پذیرش برخی روایات عقل محور، گرایش به وثاقت سندی
شیخ صدوق	۴	محدث، فقیه	تأکید بر خبر واحد، ظاهرگرا در تفسیر حدیث، نقد گرایش های عقل گرایانه بغداد
سعد بن عبدالله اشعری	۳	رئیس محدثان قم	گردآورنده مجموعه های حدیثی با محوریت نصوص، موضع گیری در برابر تأویلات عقل گرا
برقی	۳	محدث شیعی	در آثارش تلاش برای گردآوری نصوص بدون دخالت عقل تحلیلی مشهود است
علی بن عبدالله بن وصیف	۴	راوی نصوص امامت	نقل محور، بدون تأویل مفهومی یا عقل محور
صفار قمی	۳	از اصحاب حدیث	برجسته در تدوین روایات نقلی در اعتقادات، بدون شرح های عقل گرا
کلینی	۴	مؤلف کافی	آغاز کافی با کتاب عقل و جهل، اما در تفسیر روایات گرایش به نص گرایي دارد
ابن بابویه (صدوق)	۴	تکرار برای تأکید بیشتر	نص را فصل الخطاب در عقاید می دانست

جدول ۳: تطبیقی: جایگاه شخصیت ها در طیف عقل گرایي - نص گرایي

نام شخصیت	قرن	دیدگاه کلیدی	جایگاه در طیف
هشام بن حکم	۲	عقل گرایي دفاعی در مناظرات امامت و توحید	عقل گرایي دفاعی (ابزار استدلال)
شیخ مفید	۵	نقد نصوص ناسازگار با عقل؛ عقل به عنوان ابزار و منبع	عقل گرایي نظام مند
سید مرتضی	۵	حجیت عقل مستقل؛ قاعده لطف و قبح عقاب بالبیان	عقل گرایي قوی (منبع مستقل)
شیخ طوسی	۵	کاربرد عقل در اصول فقه؛ اصول عملیه	عقل گرایي در اصول فقه
علامه حلی	۸	تبعیت احکام از مصالح واقعی؛ تحلیل عقلانی فقه	عقل گرایي در فقه

نام شخصیت	قرن	دیدگاه کلیدی	جایگاه در طیف
ملاصدرا	۱۱	وحدت عقل و نقل؛ عقل شهودی و فلسفی	عقل‌گرایی فلسفی - عرفانی
مطهری و خمینی	معاصر	تلفیق عقل و نص در فقه سیاسی و اجتماعی	عقل‌گرایی نوین
کلینی	۴ هجری	محوریت نصوص؛ عقل به عنوان ابزار محدود	نص‌گرایی محافظه‌کارانه
شیخ صدوق	۴ هجری	تقدم مطلق نص؛ نقد شدید عقل‌گرایان	نص‌گرایی حداکثری
استرآبادی	۱۱ هجری	اخباری‌گری افراطی؛ نفی اصول فقه	نص‌گرایی افراطی
ابن طاووس	۷ هجری	تأکید بر فطرت و نص؛ نگاه انتقادی به عقل‌گرایی	نص‌گرایی تعبدی
صفار قمی و سعد اشعری قمی	۳ هجری	تأکید بر روایت بدون تأویل عقلانی	نص‌گرایی قوی

نتیجه‌گیری

تحلیل انجام شده در این پژوهش به روشنی نشان می‌دهد که نسبت عقل و نص در سنت فکری امامیه، صرفاً یک موضوع نظری محدود نبوده؛ بلکه همواره در متن تحولات تاریخی، اجتماعی و معرفتی این مکتب جایگاهی بنیادین داشته است. پژوهش حاضر با اتخاذ رویکردی تحلیلی - تطبیقی و ارائه مدلی طیفی، موفق شد لایه‌های پیچیده و درهم‌تنیده تعامل عقل و نص را آشکار سازد و از تقابل ساده‌انگارانه‌ای که در بسیاری از مطالعات پیشین دیده می‌شد، فراتر رود.

پاسخ به پرسش‌های پژوهش، ابعاد این تعامل را به خوبی روشن ساخت: نخست، با استخراج و دسته‌بندی شاخصه‌های عقل‌گرایی و نص‌گرایی، به‌ویژه تأکید شد که عقل

در سنت امامیه هم به عنوان ابزار تفسیر و دفاع، و هم به عنوان منبع مستقل معرفت دینی مطرح بوده است؛ در حالی که نص‌گرایان بر مرجعیت مطلق نصوص و تحدید نقش عقل اصرار داشته‌اند. دوم، جریان‌شناسی تاریخی نشان داد که این دو رویکرد، در تعامل با زمینه‌های معرفتی و سیاسی دوره‌های مختلف، پیوسته در حال نوسان بوده‌اند؛ به گونه‌ای که نص‌گرایی در دوره‌هایی مانند دوران اخباری‌گری اوج گرفته و عقل‌گرایی در دوره‌هایی مانند مدرسه بغداد یا عصر حکمت متعالیه برجسته‌تر ظاهر شده است. سوم، تحلیل شخصیت‌های شاخص همچون هشام بن حکم، شیخ مفید، سید مرتضی، کلینی و استرآبادی، نشان داد که این اندیشمندان هر یک براساس زمینه فکری و نیازهای عصر خود، جایگاه متفاوتی در این طیف معرفتی داشته‌اند.

نوآوری این پژوهش نه تنها در ارائه تحلیل طیفی، بلکه در تلفیق روش‌شناسی معرفت‌شناختی و تاریخی است. این رویکرد دو مزیت کلیدی دارد: نخست، به فهم دقیق‌تر و انعطاف‌پذیرتر نسبت عقل و نص در سنت امامیه کمک می‌کند و دوم، ابزار تحلیلی تازه‌ای برای بازخوانی گفتمان‌های دینی معاصر فراهم می‌آورد.

از منظر کارکردی، این پژوهش می‌تواند الگویی برای تحلیل روندهای نوپدید در معرفت دینی شیعه باشد و به بازنگری در اجتهاد و بازسازی فقه و کلام شیعه یاری رساند. به ویژه در مواجهه با پرسش‌های نوینی که عصر حاضر پیش روی دین نهاده است، فهم تعامل عقل و نص، آن‌گونه که در این پژوهش بازنمایی شد، نقش مهمی در بازتعریف مرجعیت معرفتی دین ایفا می‌کند.

به طور کلی، پژوهش حاضر با بازشناسی دقیق نسبت عقل و نص، زمینه‌ای نو برای بازخوانی انتقادی میراث امامیه فراهم می‌کند و گامی در جهت پر کردن خلأ پژوهشی موجود در این حوزه به شمار می‌آید. استمرار این دست پژوهش‌ها می‌تواند به توسعه مبانی معرفتی شیعه و تقویت گفتمان عقلانی-نقلی در مواجهه با چالش‌های روز منجر شود.

منابع

- ابن جوزی، عبدالرحمن (۱۴۱۲ق)، دفع شبه التشبيه بأكف التنزيه، قاهره: دارالكتب.
- ابن طاووس، رضی‌الدین علی بن موسی (بی‌تا)، كشف المحجة لثمرة المهجة، قم: انتشارات آل‌البيت.
- ابن منظور، محمد، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: نشر دارالفکر.
- ابوزهره، محمد (بی‌تا)، تاریخ المذاهب الإسلامية، قاهره: دارالفکر العربی.
- استرآبادی، محمدامین (بی‌تا)، الفوائد المدنية، قم: مكتبة بصیرتی.
- اسکافی، ابوجعفر محمد بن عبدالله (بی‌تا)، المعیار والموازنة، قم: نشر دارالحديث.
- اشعری، ابوالحسن علی بن اسماعیل (بی‌تا)، مقالات الإسلامیین، تحقیق: محمد محیی‌الدین عبد الحمید، قاهره: دارالكتب.
- خمینی، روح‌الله (۱۴۲۱ق)، کتاب البیع، محقق: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۵ جلدی، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۲۴ق)، توضیح المسائل (مُحَسَّن)، تحقیق سیدمحمدحسین بنی‌هاشمی خمینی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- رضایی، محمدجعفر (۱۳۹۶)، معنا و منزلت عقل در کلام امامیه، قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحديث، سازمان چاپ و نشر.
- رضائی، محمدجعفر، (۱۳۹۶ش)، معنا و منزلت عقل در کلام امامیه، قم: دارالحديث، سبحانی، محمدتقی (۱۳۷۴)، «عقل‌گرایی و نص‌گرایی در کلام اسلامی»، مجله نقد و نظر، ش ۳ و ۴، ص ۲۰۵-۲۳۲.
- سید مرتضی، علی بن حسین (۱۳۷۶ش)، الذریعة إلى أصول الشريعة، تصحیح أبوالقاسم گرجی، تهران: دانشگاه تهران.
- شریعتمداری، حمیدرضا (۱۳۹۱)، عقلانیت در کلام امامیه: تحلیلی بر مبانی و رویکردها، رساله دکتری، دانشگاه تهران.
- شریعتمداری، حمیدرضا (۱۳۹۳)، «عقل‌گرایی و نص‌گرایی در کلام امامیه»، فصلنامه معارف عقلی اسلامی، ش ۱۷، ص ۷۵۱-۷۵۲.
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۱۴۰۲ق)، الملل والنحل، تحقیق: محمدسیدکیانی، بیروت: دارالمعرفة.

- شهید ثانی، زین الدین (۱۴۰۹ق)، حقائق ایمان، به کوشش مهدی رجایی، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
- شیخ انصاری، مرتضی (۱۴۲۸ق)، فرائد الأصول، قم: مجمع الفكر الإسلامي.
- شیخ صدوق، ابن بابویه محمد بن علی (۱۴۰۴ق)، الاعتقادات فی دین الإمامیه، قم: دارالکتب الإسلامیه.
- شیخ صدوق، ابن بابویه محمد بن علی (بی تا)، التوحید، قم: جامعه مدرّسین.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، الفهرست، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۷ق)، العدة فی أصول الفقه، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، کتاب الغیبه، قم: دارالمفید.
- شیخ مفید، محمد بن محمد (بی تا) (الف)، تصحیح الاعتقاد، قم: کنگره جهانی شیخ مفید.
- شیخ مفید، محمد بن محمد (بی تا) (ب)، الفصول المختارة، قم: مکتبه بصیرتی.
- صدر المتألهین، محمد بن ابراهیم (بی تا) (الف)، الأسفار الأربعة، تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی.
- صدر المتألهین، محمد بن ابراهیم (ملاصدرا)، (بی تا)، مفاتیح الغیب، قم: مؤسسه مطالعات حکمت و فلسفه.
- صفار قمی، محمد بن حسن (بی تا)، بصائر الدرجات، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
- طباطبائی، سید محمد حسین (بی تا)، نهاية الحکمة، محقق: شیخ عباس علی سبزواری، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، (۱۳۸۹ش)، العده فی اصول الفقه، تحقیق محمدرضا انصاری قمی، قم: بوستان کتاب.
- طوسی، نصیرالدین، محمد بن محمد، (۱۴۰۷ق)، تجرید الاعتقاد، شرح علامه حلی، تصحیح مهدی رجایی، قم: نشر مؤسسه النشر الإسلامی.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۹ق)، نهاية الوصول إلى علم الأصول، المحقق: الشیخ ابراهیم البهادر، قم: مؤسسه الإمام الصادق علیه السلام.
- علم الهدی، سید مرتضی علی بن الحسین، (۱۴۰۵ق)، رسائل الشریف المرتضی، سید مهدی رجائی، قم: دار القرآن الکریم.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- مبلغی، احمد (۱۳۷۹)، عقلانیت در اندیشه و فقه سیاسی امام خمینی، ناشر مجله: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ش ۳۱.

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربي.

مدرسی طباطبایی، سید حسین (۱۳۶۸ ش)، مقدمه‌ای بر فقه شیعه (فارسی)، ترجمه: محمد آصف، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی الناشر: بنیاد پژوهشهای اسلامی.

مدرسی طباطبایی، سید حسین، (۱۳۸۶ ش)، مکتب در فرآیند تکامل، ترجمه هاشم ایزدپناه، تهران: نشر کویر.

مطهری، مرتضی (۱۳۶۹)، عدل الهی، تهران: انتشارات صدرا.

مطهری، مرتضی (بی‌تا)، مجموعه آثار، تهران: انتشارات صدرا.

مفید، محمد بن - نعمان، (۱۳۷۲ ش)، اوائل المقالات، به اهتمام مهدی محقق، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

مفید، محمد بن نعمان، (مجموعه مصنفات شیخ مفید. تصحیح الاعتقاد)، قم: کنگره هزاره شیخ مفید.

ملاصدرا، محمد بن ابراهیم (بی‌تا)، مفاتیح الغیب، قم: انتشارات بیدار.

نصر، سید حسین (۱۳۴۲ ش)، تاریخ فلسفه اسلامی از آغاز تا امروز، مترجم: مهدی نجفی افرا، چاپ چهارم، تهران: انتشارات جامی.

References

- Abū Zuhrah, Muḥammad. n.d. *Tārīkh al-Madhāhib al-Islāmīyah** [History of Islamic Schools of Thought]. Cairo: Dār al-Fikr al-‘Arabī.
- ‘Allāmah Ḥillī, Ḥasan ibn Yūsuf. 1429 AH. *Nihāyat al-Wuṣūl ilā ‘Ilm al-Uṣūl* [The End of Attainment in the Science of Principles]. Edited by Shaykh Ibrāhīm al-Bahādurī. Qom: Mu’assasah-‘i al-Imām al-Ṣādiq.
- Ash‘arī, Abū al-Ḥasan ‘Alī ibn Ismā‘īl. n.d. *Maqālāt al-Islāmīyīn* [Articles of the Muslims]. Edited by Muḥammad Muḥyī al-Dīn ‘Abd al-Ḥamīd. Cairo: Dār al-Kutub.
- Astarābādī, Muḥammad Amīn. n.d. *Al-Fawā’id al-Madanīyah* [The Medinan Benefits]. Qom: Maktabat Baṣīratī.
- Ibn al-Jawzī, ‘Abd al-Raḥmān. 1412 AH. *Daf‘ Shubah al-Tashbīh bi-Akuff al-Tanzīh* [Refuting the Doubts of Anthropomorphism with the Hands of Transcendence]. Cairo: Dār al-Kutub.
- Ibn Manzūr, Muḥammad. 1414 AH. *Lisān al-‘Arab* [The Language of the Arabs]. Beirut: Nashr Dār al-Fikr.
- Ibn Ṭāwūs, Raḍī al-Dīn ‘Alī ibn Mūsā. n.d. *Kashf al-Maḥajjah li-Thamarat al-Muhajjah* [Unveiling the Path to the Fruit of the Journey]. Qom: Intishārāt-i Āl al-Bayt.

- ‘Ilm al-Hudā, Sayyid Murtaḍā ‘Alī ibn al-Ḥusayn. 1405 AH. *Rasā’il al-Sharīf al-Murtaḍā* [The Treatises of Sharīf Murtaḍā]. Edited by Sayyid Mahdī Rajā’ī. Qom: Dār al-Qur’ān al-Karīm.
- Iskāfī, Abū Ja‘far Muḥammad ibn ‘Abd Allāh. n.d. *Al-Mi‘yār wa al-Muwāzanah* [The Criterion and the Balance]. Qom: Nashr Dār al-Ḥadīth.
- Khomeinī, Rūḥ Allāh. 1421 AH. *Kitāb al-Bay‘* [The Book of Sale]. 5 vols. Edited by Mu’assasah-’i Tanzīm wa Nashr-i Āthār-i Imām Khomeinī. Tehran: Mu’assasah-’i Tanzīm wa Nashr-i Āthār-i Imām Khomeinī.
- Khomeinī, Sayyid Rūḥ Allāh. 1424 AH. *Tawḍīḥ al-Masā’il (Muḥashshā)* [Clarification of Questions (Annotated)]. Edited by Sayyid Muḥammad Ḥusayn Banī Hāshimī Khomeinī. Qom: Daftar-i Intishārāt-i Islāmī.
- Kulaynī, Muḥammad ibn Ya‘qūb. 1407 AH. *Al-Kāfī* [The Sufficient]. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah.
- Majlisī, Muḥammad Bāqir ibn Muḥammad Taqī. 1403 AH. *Biḥār al-Anwār* [Oceans of Lights]. Beirut: Dār Iḥyā’ al-Turāth al-‘Arabī.
- Muballiḡī, Aḥmad. 1379 Sh. “‘Aqlāniyyat dar Andīshah va Fiqh-i Siyāsī-yi Imām Khomeinī” [Rationality in the Thought and Political Jurisprudence of Imam Khomeinī]. *Majallah-’i Mu’assasah-’i Tanzīm wa Nashr-i Āthār-i Imām Khomeinī* [Journal of the Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeinī’s Works], no. 31.
- Mudarrisī Ṭabāṭabā’ī, Sayyid Ḥusayn. 1368 Sh. *Muqaddamah-’ī bar Fiqh-i Shī‘ah* [An Introduction to Shī‘i Jurisprudence]. Translated by Muḥammad Āṣif. Mashhad: Mu’assasah-’i Chāp va Intishārāt-i Āstān-i Quds-i Raḍawī, Bunyād-i Pizhūhish-hā-yi Islāmī.
- Mudarrisī Ṭabāṭabā’ī, Sayyid Ḥusayn. 1386 Sh. *Maktab dar Farāyand-i Takāmul* [School in the Process of Evolution]. Translated by Hāshim Īzadpānāh. Tehran: Nashr-i Kavīr.
- Mufīd, Muḥammad ibn Nu‘mān. 1372 Sh. *Awā’il al-Maqālāt* [The Beginnings of Articles]. Edited by Mahdī Muḥaqqiq. Tehran: Intishārāt-i Dānishgāh-i Tehrān.
- Mufīd, Muḥammad ibn Nu‘mān. n.d. *Majmū‘ah-’i Muṣannafāt-i Shaykh Mufīd. Taṣḥīḥ al-I’tiqād* [Collected Works of Shaykh Mufīd: Correction of the Belief]. Qom: Kungirah-’i Hazārah-’i Shaykh Mufīd.
- Mullā Ṣadrā, Muḥammad ibn Ibrāhīm. n.d. *Mafātīḥ al-Ghayb* [The Keys to the Unseen]. Qom: Intishārāt-i Bīdār.

- Muṭahharī, Murtaḍā. 1369 Sh. *ʿAdl-i Ilāhī* [Divine Justice]. Tehran: Intishārāt-i Ṣadrā.
- Muṭahharī, Murtaḍā. n.d. *Majmūʿah-ʿi Āthār* [Collected Works]. Tehran: Intishārāt-i Ṣadrā.
- Nasr, Sayyid Ḥusayn. 1342 Sh. *Tārīkh-i Falsafah-ʿi Islāmī az Āghāz tā Imrūz* [A History of Islamic Philosophy from Its Beginnings to the Present]. Translated by Mahdī Najafī Aqrā. 4th ed. Tehran: Intishārāt-i Jāmī.
- Riḍāʾī, Muḥammad Jaʿfar. 1396 Sh. *Maʿnā va Manzilat-i ʿAql dar Kalām-i Imāmīyah* [The Meaning and Status of Reason in Imami Theology]. Qom: Muʿassasah-ʿi ʿIlmī-Farhangī-yi Dār al-Ḥadīth, Sāzmān-i Chāp va Nashr.
- Riḍāʾī, Muḥammad Jaʿfar. 1396 Sh. *Maʿnā va Manzilat-i ʿAql dar Kalām-i Imāmīyah* [The Meaning and Status of Reason in Imami Theology]. Qom: Dār al-Ḥadīth.
- Ṣadr al-Muṭaʿallihīn, Muḥammad ibn Ibrāhīm (Mullā Ṣadrā). n.d. *Maḥfātīḥ al-Ghayb* [The Keys to the Unseen]. Qom: Muʿassasah-ʿi Muṭālīʿāt-i Ḥikmat va Falsafah.
- Ṣadr al-Muṭaʿallihīn, Muḥammad ibn Ibrāhīm. n.d. (a). *Al-Asfār al-Arbaʿah* [The Four Journeys]. Tehran: Muʿassasah-ʿi Muṭālīʿāt-i Islāmī.
- Ṣaffār Qummī, Muḥammad ibn Ḥasan. n.d. *Baṣāʾir al-Darajāt* [The Insights of Degrees]. Qom: Kitābkhānah-ʿi Āyat Allāh Marʿashī.
- Sayyid Murtaḍā, ʿAlī ibn Ḥusayn. 1376 Sh. *Al-Dharīʿah ilā Uṣūl al-Sharīʿa* [The Means to the Principles of Sacred Law]. Edited by Abū al-Qāsim Gurjī. Tehran: Dānishgāh-i Tehrān.
- Shahīd al-Thānī, Zayn al-Dīn. 1409 AH. *Ḥaqāʾiq al-Īmān* [The Realities of Faith]. Edited by Mahdī Rajāʾī. Qom: Kitābkhānah-ʿi Āyat Allāh Marʿashī.
- Shahristānī, Muḥammad ibn ʿAbd al-Karīm. 1402 AH. *Al-Milal wa al-Niḥal* [The Religions and Sects]. Edited by Muḥammad Sayyid Kaylānī. Beirut: Dār al-Maʿrifah.
- Sharīʿatmadārī, Ḥamīd Riḍā. 1391 Sh. *ʿAqlāniyyat dar Kalām-i Imāmīyah: Taḥlīlī bar Mabānī va Rūykard-hā* [Rationality in Imami Theology: An Analysis of Foundations and Approaches]. Doctoral dissertation, University of Tehran.
- Sharīʿatmadārī, Ḥamīd Riḍā. 1393 Sh. “ʿAql-garāyī va Naṣṣ-garāyī dar Kalām-i Imāmīyah” [Rationalism and Textualism in Imami Theology]. *Faṣlnāmah-ʿi Maʿārif-i ʿAqlī-yi Islāmī* [Journal of Islamic Intellectual Sciences], no. 17: 75–102.

- Shaykh Anṣārī, Murtaḍā. 1428 AH. *Farā'id al-Uṣūl* [The Pearls of Principles]. Qom: Majma' al-Fikr al-Islāmī.
- Shaykh Mufīd, Muḥammad ibn Muḥammad. n.d. (a). *Taṣḥīḥ al-I'tiqād* [Correction of the Belief]. Qom: Kungirah-'i Jahānī-yi Shaykh Mufīd.
- Shaykh Mufīd, Muḥammad ibn Muḥammad. n.d. (b). *Al-Fuṣūl al-Mukhtārah* [The Selected Chapters]. Qom: Maktabat Baṣīratī.
- Shaykh Ṣadūq, Ibn Bābawayh Muḥammad ibn 'Alī. 1404 AH. *Al-I'tiqādāt fī Dīn al-Imāmīyah* [The Beliefs in the Religion of the Imamiyya]. Qom: Dār al-Kutub al-Islāmīyah.
- Shaykh Ṣadūq, Ibn Bābawayh Muḥammad ibn 'Alī. n.d. *Al-Tawḥīd* [The Divine Unity]. Qom: Jāmi'ah-'i Mudarrisīn.
- Shaykh Ṭūsī, Muḥammad ibn Ḥasan. 1409 AH. *Al-Fihrist* [The Catalogue]. Qom: Daftar-i Intishārāt-i Islāmī.
- Shaykh Ṭūsī, Muḥammad ibn Ḥasan. 1417 AH. *Al-'Uddah fī Uṣūl al-Fiqh* [The Preparation in the Principles of Jurisprudence]. Qom: Mu'assasah-'i al-Nashr al-Islāmī.
- Shaykh Ṭūsī, Muḥammad ibn Ḥasan. n.d. *Kitāb al-Ghaybah* [The Book of Occultation]. Qom: Dār al-Mufīd.
- Subḥānī, Muḥammad Taqī. 1374 Sh. “‘Aql-garāyī va Naṣṣ-garāyī dar Kalām-i Islāmī” [Rationalism and Textualism in Islamic Theology]. *Majallah-'i Naqd va Naẓar* [Journal of Critique and Reflection], nos. 3–4: 205–232.
- Ṭabāṭabā'ī, Sayyid Muḥammad Ḥusayn. n.d. *Nihāyat al-Ḥikmah* [The End of Philosophy]. Edited by Shaykh 'Abbās 'Alī Zārī'ī Sabziwārī. Qom: Mu'assasah-'i al-Nashr al-Islāmī.
- Ṭūsī, Abū Ja'far Muḥammad ibn Ḥasan. 1389 Sh. *Al-'Uddah fī Uṣūl al-Fiqh* [The Preparation in the Principles of Jurisprudence]. Edited by Muḥammad Riḍā Anṣārī Qummī. Qom: Būstān-i Kitāb.
- Ṭūsī, Naṣīr al-Dīn Muḥammad ibn Muḥammad. 1407 AH. *Tajrīd al-I'tiqād* [The Abstraction of Belief]. Commentary by 'Allāmah Ḥillī. Edited by Mahdī Rajā'ī. Qom: Nashr Mu'assasah-'i al-Nashr al-Islāmī.